

عوامل سوء رفتار دانش آموز در مدارس متوسطه (راهکارهایی برای مدیریت

کلاس

بهزاد نادرزاد^۱، فریدین عبدالهی^۲، فریدین باتمانی^۳

Received: 01/02/2019
Accepted: 21/01/2020

صفحات: ۷۹-۹۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۱۲
پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱

چکیده

این پژوهش از نوع کیفی و از روش داده بنیاد استفاده گردید. جامعه آماری این پژوهش معلمان مدارس متوسطه اول بودند که به منظور احصای تجارب ۱۵ نفر از معلمان با سابقه مدارس با روش نمونه‌گیری هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری مقوله انتخاب شدند. با نظرخواهی از مشارکت‌کنندگان به وسیله به‌کارگیری مصاحبه عمیق و تحلیل محتوای آن، و انجام مقایسه و تطبیق داده‌ها، ۱۴۴ شاخص به دست آمد که با حذف موارد تکراری و ادغام شاخص‌های هم‌جنس و مشابه، در نهایت مقوله‌های مربوط به علل و عوامل بروز سوء رفتار در قالب ۴۳ مقوله فرعی (کدگذاری باز) و ۲۲ مقوله محوری و ۵ مقوله فراگیر (کدگذاری گزینشی)، ترسیم شد. از علل و عوامل به وجود آورنده سوء رفتار می‌توان به عوامل برون کلاسی مانند عوامل محیطی (خانواده، جامعه و رسانه) و عوامل مدرسه‌ای (فضای فیزیکی و روانی، ضعف ارتباطی مدیران، الگوسازی نامناسب) اشاره کرد. عوامل درون کلاسی نیز مانند عوامل مرتبط با معلم (سبک تدریس، رویکرد معلم، مدیریت کلاس، صلاحیت حرفه‌ای معلم) و عوامل مربوط به خود دانش آموز (ضعف علمی، کمبود انگیزه، اختلالات رفتاری) می‌باشد که متناسب با هر کدام راهکارهای مدیریتی ارائه می‌شود.

کلید واژه ها: سوء رفتار دانش آموز، نقش معلم، مدیریت کلاس، راهکار مدیریتی

۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سنندج، ایران
۲- استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سنندج، ایران
* نویسنده مسئول:
Email: fardinabdollahy@gmail.com
۳- استادیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سنندج، ایران

مقدمه

در بسیاری از کشورها مسئله سوء رفتار دانش‌آموزان مورد توجه رسانه‌ها، مدیران، معلمان و سیاست‌گذاران بوده است و میزان علاقه‌مندی به بررسی این موضوع در جوامع فروکش نکرده است (Rosaria, 2011:1). پیشرفت هر جامعه‌ای به چگونگی کیفیت آموزش و پرورش آن جامعه بستگی دارد (Mahmoudi & et al., 2017:17). یکی از عواملی که در ایجاد کیفیت آموزش مؤثر است تدریس در محیطی آرام و بدون تنش است. بنابراین رعایت نظم و انضباط کلاس از پیش‌شرط‌های تدریس است و فعالیت‌های یاددهی-یادگیری هنگامی به سهولت ادامه می‌یابد که مسائل انضباطی در کلاس رعایت گردد (Mohammadi, 2010). اگر به آموزش و پرورش به دید واقعی نگاه کنیم و به آن اهمیت دهیم باعث پیشرفت جامعه می‌شود، اگرچه کشورهای توسعه‌یافته، نوع آموزش و پرورش آن‌ها دلیل پیشرفت آن‌ها بوده است. برنامه‌ریزی مناسب و جذابیت مدارس، وجود نظم و انضباط در مدارس و جهت‌دار بودن آموزش و پرورش، باعث به ثمر رسیدن اهداف از پیش تعیین‌شده جامعه می‌شود. هدف از نظم و انضباط در آموزش و پرورش، تربیت افرادی است که خوداتکا و مستقل باشند، دلیل هر فرمان و دستوری را بدانند و چنین دیدی از انضباط، ظرفیت ذهنی افراد را افزایش می‌دهد و او را قادر می‌سازد تا مفاهیم جهان اجتماعی و طبیعی را درک کند (Gordon, 1998).

در مدارس رفتارهای مسئله‌ساز بسیار گسترده و شایع شده است. معلمان، مربیان و مسئولان مدارس از طریق تجربه‌های شخصی و حرفه‌ای با موضوعاتی هم چون تأخیر، غیبت، مدرسه‌گریزی، نافرمانی، اهانت به مقدسات، خشونت، تخریب و مسائل جنسی آشنایی دارند. هدف اصلی مدرسه به‌عنوان یک مؤسسه اجتماعی به وجود آوردن تغییرات اساسی در دانش‌آموزان است. این تغییرات محدود به رفتارهای ادراکی و یادگیری نبوده بلکه گستره وسیعی از رفتارهای اجتماعی، عاطفی، حرکتی و اخلاقی را دربرمی‌گیرد. معلمان و متصدیان آموزش و پرورش در مورد افزایش گزارش خشونت و رفتارهای ضداجتماعی در مدارس اظهار نگرانی می‌کنند. در دو دهه گذشته کنترل دانش‌آموزان مورد توجه شدید مدیران مدارس و شهروندان بوده است. عدم توانایی کنترل شایسته دانش‌آموزان عامل اصلی نارضایتی بسیاری از معلمان و جزو سه دغدغه اصلی مدارس دولتی رتبه‌بندی شده است. بدرفتاری برخی دانش‌آموزان آن‌قدر جدی است که مشکلات زیادی برای معلمان و مسئولان مدرسه به بار می‌آورد. مدرسه در پیشگیری یا کنترل بدرفتاری نقش مهمی دارد. بر اساس اصول تعلیم و تربیت انسان‌گرا چنانچه یادگیری در محیطی امن انجام شود، راحت‌ترین، معنادارترین و مؤثرترین

شکل ممکن را خواهد داشت. به باور بسیاری از معلمان و مدیران، مهم‌ترین علت عدم موفقیت معلمان، مسائل مربوط به انضباط دانش آموزان و اداره کلاس است. هنگامی که دانش‌آموزی مسبب از هم‌گسیختگی فعالیت‌های کلاس و مدرسه می‌شود، معلمان نمی‌توانند محیط مناسب برای یادگیری ایجاد کنند (Shirbaghi, 2014). معلم نخستین مسئول مستقیم حفظ و رعایت نظم و ترتیب و انضباط کلاس محسوب می‌شود. وی باید مدیر باشد، توانایی اداره کلاس و دانش‌آموزان به نحو مطلوب را دارا باشد، از فنون مختلف اداره کلاس آگاه باشد، صدایش رسا و گیرا و در صورت لزوم آمرانه باشد، بتواند نابسامانی‌ها را رفع و متمدان و سرکشان را به‌طور منطقی تحت فرمان درآورد و در هنگام برخورد و ایجاد تنش قادر باشد دانش‌آموزان را بدون اینکه نیازی به فریاد و کشمکش باشد، مهار کند. معلم باید به یاد داشته باشد که با تهدید و تحقیر نمی‌توان انضباط را در کلاس برقرار ساخت. بلکه باید با تهیه قبلی طرح درس، به‌کارگیری روش‌های جالب تدریس و اداره کلاس و پرورش شخصیت سالم خویش، از پیدایش هرگونه بی‌انضباطی در کلاس درس جلوگیری به عمل آورده و با اتخاذ روش کار مناسب، به‌طور طبیعی زمینه‌ی ایجاد نظم و انضباط را در کلاس درس فراهم آورد (Fathi Azar, 2015).

طبق تحقیقات صورت گرفته، مهم‌ترین تفاوت میان معلمان که در ایجاد نظم و انضباط در کلاس موفق هستند با معلمان که در این کار موفقیتی ندارند در نوع واکنش آنان به هنگام بروز مشکلات نیست بلکه تفاوت میان این دو گروه از معلمان در برنامه‌ریزی برای آموزش مؤثر و مدیریت گروهی به‌منظور پیشگیری از بی‌توجهی و ایجاد بی‌نظمی و اخلال است. در نتیجه مدیریت مبتنی بر پیشگیری یکی از روش‌های مدیریت کلاس است که با آگاهی از علت‌های بروز مسائل و مشکلات می‌توان راه‌حلی برای آن پیش‌بینی کرد. به‌طور کلی عواملی که از جانب معلم می‌تواند بر مدیریت کلاس مؤثر واقع شود عبارت است از ویژگی‌های شخصیتی معلم و روش‌های تدریس معلم (Mahmoudi & et al., 2017:23). چراکه معلم از کلیدی‌ترین از جمله نظام اصلی آموزش و پرورش است و کاستی و کمبود در سایر اجزا از این عنصر تاثیر می‌پذیرد (safari & et al., 2019).

در بحث مدیریت سوء رفتار دانش‌آموز لازم است زیرمجموعه علل و عوامل به وجود آورنده این رفتارها شناسایی شوند تا با ارائه‌ی راهکارهای کاربردی برای کاهش آن‌ها، تغییرات مناسب و مثبت در کیفیت نظم و انضباط کلاس ایجاد شود. علل و عوامل سوء رفتار و بی‌نظمی دانش‌آموزان را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد: الف: علل مربوط به دانش‌آموزان (ویژگی‌های فردی؛ ب) عوامل مربوط به معلم؛ ج) عوامل مربوط به فضای مدرسه، کلاس درس و کارکنان ستادی مدرسه؛ د) ویژگی‌های خانوادگی دانش‌آموزان؛ و) عوامل اجتماعی (Mahmoudi &

(et al., 2017) با توجه به اینکه در دنیای امروز نمی‌توان مدارس را جدای از عوامل بروز سوء رفتارهای دانش‌آموزان در آن مورد مطالعه قرارداد و از آنجاکه امکان حذف کامل سوء رفتارها در مدارس وجود ندارد، آگاهی از نحوه بروز آن‌ها می‌تواند معلمان، مدیران و والدین را در کاهش اثرات مخرب آن‌ها یاری دهد که این پژوهش بررسی این موضوع را در دستور کار خود قرار می‌دهد. همچنین به‌غیر از بررسی عوامل بروز سوء رفتار در این پژوهش یکی دیگر از اهداف این بررسی حاضر ارائه راهکارهای مدیریتی در مورد سوء رفتارهای دانش‌آموز در کلاس درس است. اصطلاح مدیریت رفتار، احساسی مبنی بر تحت‌فشار قرار دادن را به مخاطب القاء می‌کند؛ حس کشمکش بین خواسته‌های شخصی با کنترل‌های بیرونی. درهر صورت، مدیریت رفتار زمانی رخ می‌دهد که معلمان با مهارت و جرح و تعدیل بتوانند دسترسی یکسانی را در خصوص رویدادهای یادگیری برای تک‌تک دانش‌آموزان فراهم سازند. مدیریت سوء رفتار دانش‌آموز بازتابی از انتظارات معلم است که دانش‌آموز را وادار می‌سازد تا به‌واسطه تعامل مناسب با محیط به یادگیری بپردازد. معلم باید از خود بپرسد برون دادهای مورد انتظار کدامها هستند؟ چه چیزی به‌درستی در نتیجه تعاملات دانش‌آموز یاد گرفته می‌شود؟ اولویت برنامه‌های دانش‌آموز کدام است؟ معلمان اثربخش به نیازها و مهارت‌های دانش‌آموزان توجه نموده و استراتژی‌های مدیریت رفتار را در جهت آموزش رفتارهای مناسب به کار می‌گیرند (Donna, 1982). بنابراین با توجه به مطالب مذکور هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر سوء رفتار دانش‌آموزان به‌منظور ارائه راهکارهای مدیریتی سوء رفتار دانش‌آموزان مدارس پسرانه مقطع متوسطه اول شهر سمنان می‌باشد و می‌کوشد به این سؤالات پاسخ دهد: چه عواملی در بروز سوء رفتار مؤثرند؟ راهکارهای مدیریتی چگونه می‌تواند در کاهش سوء رفتار دانش‌آموز در کلاس کمک‌کننده باشد یا آن را کاهش دهد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

مسئله سوء رفتار در مدارس توجهات بسیاری را در سراسر جهان به خود جلب کرده است. سوء رفتار دانش‌آموزان جدی و شایع دانسته می‌شود، و یادگیری دانش‌آموزان را به شکل منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد. (Salimi & Ghasemi, 2018). با بررسی اظهارات مدیران و کارکنان مدارس و یک سری واقعیت‌های فضای کنونی مدارس از جمله بی‌درگیری و بی‌احترامی دانش‌آموزان نسبت به همدیگر و معلمانشان، اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوعاتی شبیه به موضوع پژوهش حاضر را نمایان می‌شود (Akbia, 2019). نظرسنجی‌هایی که در سال‌های اخیر

از معلمان صورت گرفته نشان می‌دهد آن‌ها آموزش کافی در مورد نحوه مدیریت رفتار دانش‌آموز دریافت نکرده‌اند. گله‌مندی معلمان از نبود آموزش کافی می‌تواند نشانه‌ای از افزایش سوء رفتار و گستردگی اختلالات عاطفی و رفتاری در میان دانش‌آموزان باشد. در تحقیقات انجام‌شده یکی از دلایل دست کشیدن معلمان از حرفه‌ای معلمی را سوء رفتار دانش‌آموز عنوان می‌کنند. یافته‌ها همچنین نشان‌دهنده‌ای این مسئله است که ۷۶٪ از زمان معلمان متوسطه اول در کلاس، صرف کنترل رفتارهای مختل‌کننده می‌شود، در نتیجه سوء رفتار منجر به هدر رفت سرمایه و زمان می‌شود (Rosaria, 2011). انضباط، کنترل کلاس و اداره‌ی آن مهم‌ترین مسئله‌ی مورد توجه معلم است. لازم نیست تمام دانش‌آموزان کلاس ناهنجاری داشته باشند، سه یا چهار نفر دانش‌آموز می‌توانند فرایند یادگیری کلاس را دچار اختلال نمایند که حتی دانش‌آموزان خوب نیز نتوانند از کلاس استفاده نمایند (Mohammadi, 2010). با توجه به اینکه سوء رفتار کودکان می‌تواند از عوامل به وجود آورنده استرس در معلمان، فرسودگی شغلی، بازنشستگی پیش از موعد و به‌عنوان عاملی در جهت ایجاد مانع در یادگیری سایر دانش‌آموزان و درگیری معلم و تلف شدن زمان کلاس را به همراه داشته باشد اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع سوء رفتار دانش‌آموزان احساس می‌شود که به‌کارگیری نتایج حاصل از آن می‌تواند از فرصت سوزی و هدر رفتن سرمایه‌های اجتماعی- اقتصادی بکاهد و تلاشی در جهت بهبود یادگیری باشد. اخیراً نقش اجتماعی مدارس پررنگ‌تر از گذشته شده، همچنان که (Ingersol, 1996) متذکر شده که مدارس به‌طور فزاینده‌ای نقشی را که قبلاً خانواده، مدارس و جوامع بر عهده داشتند به دوش می‌کشند. انتظارات معلم می‌تواند در جهت تربیت دانش‌آموزانی آگاه به رفتار مورد قبول جامعه و پیروی از الگوهای رفتاری هوشمند در جهت شهروند دارای رفتار دموکراتیک سوق داده شود (Quoted from Rosaria, 2011).

پیشینه‌ی پژوهش

(A'ali & et al., 2012) در پژوهش خود به راهبردها و شیوه‌های نوین انضباطی در مدرسه مطرح اشاره می‌کنند. (Ramazani & et al., 2012) رابطه منبع کنترل دانش‌آموزان را با گرایش آن‌ها به انواع سبک‌های انضباطی معلمان مطالعه کردند. در تحقیق (Mohammadi, 2010) با عنوان رابطه‌ی سوء رفتار دانش‌آموزان و روش‌های مدیریت کلاس‌های تربیت‌بدنی، چهار سوء رفتار خشونت و پرخاشگری، تنبلی و کم‌کاری، کم‌توجهی به آموزش، و نافرمانی و بی‌نظمی شناسایی شد. نتایج تحقیق نشان داد که خشونت و پرخاشگری و نافرمانی و بی‌نظمی شایع‌ترین سوء رفتارها در کلاس‌های تربیت‌بدنی بود. همچنین نحوه ارتباط

این مؤلفه‌ها باهم شناسایی شد. (Sekhavat, 2010) تحقیقی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان، برخی ویژگی‌های فردی نظیر وضعیت تحصیلی، جنسیت و برخی ویژگی‌های خانوادگی دانش‌آموزان و پنداشت از نظم در مدرسه بررسی شده است. (Kordzanganeh, 2006) در پژوهش خود با عنوان بررسی زمینه‌های بروز ناهنجاری‌های ارتباطی در میان دانشجویان شهر رامهرمز دریافت دانش‌آموزانی که داری دوستان ناباب بودند، بیشتر در معرض رفتارهای ناپه‌نجا قرار داشتند. (Shaterian & et al., 2013) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموز به این نتیجه رسید که بیشترین تأثیر متغیرهای مستقل به ترتیب بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان عبارت‌اند از: دسترسی به منابع و امکانات، عملکرد جامعه، معدل تحصیلی، پایگاه اجتماعی، عملکرد خانواده. در پژوهش (Navabakhsh & Vahedi, 2010) نیز با عنوان ارتباط بین سرمایه اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان بیان شده که کم بودن حمایت از سوی والدین و کم بودن کنترل از سوی معلم و کم بودن اعتماد بین اشخاص با رفتار بزه‌کارانه همبستگی مثبت دارد و می‌تواند از عوامل مؤثر در بروز ناهنجاری در دانش‌آموزان باشد. (Leach & Tanl, 1996) در پژوهشی با عنوان تأثیر ارسال کارنامه‌های انضباطی به والدین در مدارس متوسطه اول دریافتند که پس از شاخص ایجاد سروصدا در کلاس، صحبت کردن بدون درخواست اجازه از معلم، دومین میزان فراوانی را در کلاس داشته است. (Infantino & Little, 2005) در بررسی رفتار دردرساز و اثربخشی رفتارهای انضباطی پی بردند که بیشترین میزان رفتارهای دردرساز دانش‌آموزان عبارت بودند از صحبت خارج از نوبت، جابه‌جا کردن محل نشستن و خوردن تنقلات را شامل می‌شد. (Osler, 2000) در تحقیقی با عنوان حقوق، وظایف و ادراک دانش‌آموزان از نظم مدرسه دریافت که درگیری‌های دانش‌آموزان اکثراً به دلایل غیرمعقول رخ می‌دهد و آنچه درنهایت از این دست تحقیقات استخراج می‌شود این است که دانش‌آموزان و معلمان در مقوله سوء رفتار ادراک یکسانی از موضوع ندارند بلکه تفاوت‌هایی نیز از لحاظ درجه و میزان اهمیت قائل شدن به سوء رفتار باهم دارند. (Quoted from Rosaria, 2011). (Ozben, 2010) در پژوهشی با عنوان استراتژی‌های معلم در غلبه بر سوء رفتار دانش‌آموزان، به این نتیجه رسید که دسته‌ای از سوء رفتارهایی که در کلاس رخ می‌دهد، معلمان آن‌ها را خنثی می‌کنند. علاوه بر این معلمان بسته به جنسیت و سابقه تدریسشان با انواع متفاوتی از سوء رفتار مواجه می‌شوند. (Amador & Ferrier, 2010) در بررسی علل و عوامل بی‌انضباطی در کلاس‌های تربیت‌بدنی به سه سطح اشاره دارند. اولین سطح، عوامل فردی است. برخی دانش

آموزان با رفتارهای نابهنجار خود بر عملکرد کلاس تأثیر می‌گذارند. دومین سطح شامل درگیری میان همسالان است و سومین سطح شامل تضاد میان برنامه‌های آموزشی معلم با انتظارات و نیازهای دانش‌آموزان می‌باشد که ممکن است موجب خشونت شود (Quoted from Nadarian & Jahromi, 2014).

روش تحقیق

پژوهش حاضر کیفی می‌باشد و روش نظریه داده بنیاد در این پژوهش ملاک عمل واقع شد. روش نمونه‌گیری، غیر تصادفی مبتنی بر هدف بود. ابزار گردآوری داده‌ها غیر از استفاده از نتایج تحقیقات پیشین، استفاده از مصاحبه عمیق می‌باشد و مصاحبه‌ها تا رسیدن به سطح اشباع ادامه می‌یابد. نتایج مصاحبه در تحقیق با یک دسته‌بندی مناسب و منطقی ثبت شدند. در این مرحله، گزاره‌هایی که با علل بروز سوء رفتار و مدیریت آن ارتباط داشته‌اند با استفاده از روش تحلیل محتوای نظری و با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۱۰ مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفت و بر اساس برداشت از گزاره‌ی انتخاب‌شده و کلیدواژه‌های به کار گرفته‌شده در آن، به وسیله تحلیل محتوای محوری، مؤلفه‌ها و مقوله‌های آن شناسایی و در ابعاد مشخص شده، جانمایی شدند که در نهایت در بخش تحلیل محتوای انتخابی، بر اساس مقوله‌های به دست آمده، علل و عوامل بروز سوء رفتار دانش‌آموز استخراج می‌شود. سپس روایی محتوا و روایی صوری آن به وسیله اخذ نظرات خبرگان تعلیم و تربیت به دست خواهد آمد. و در پایان از نظرات اعضای هیئت علمی دانشگاهی برای اعتباریابی داده‌های کیفی استفاده می‌شود.

جامعه‌ی آماری

الف: جامعه‌ای که از آن محتوای مورد نظر جهت تحلیل محتوای کیفی انتخاب شدند شامل تمامی معلمان مدارس متوسطه اول پسرانه شهر سمنان به تعداد ۱۱۰۰ نفر که با استفاده از مصاحبه عمیق از تعداد ۱۵ نفر از آنان مصاحبه به عمل آمد. انتخاب نمونه‌ها بر اساس مصاحبه‌ها تا رسیدن به سطح اشباع ادامه یافت. به طور نمونه نمونه‌ها بر اساس ویژگی‌های مدارس تعیین شد. مدارس متوسطه در ابتدا طبقه‌بندی شد و به طور مثال مدرسی که دارای جمعیت دانش‌آموزی بالایی بودند، یا بر اساس مدارس مستقر در حاشیه شهرها، میزان جرم خیزی در منطقه بر اساس آمار مراکز قضایی، میزان سابقه معلم یا معاون. با توجه به اینکه حجم نمونه کیفی جهت مصاحبه معلوم نبود، روند نمونه‌گیری تا آنجا پیش رفت که اطلاعات تازه‌ای از سوی پرسش‌شوندگان بیان نشود و در این زمان روند نمونه‌گیری متوقف گردید. همچنین در

این پژوهش جامعه‌ای که از آن‌ها برای اعتباربخشی درونی مدل پیشنهادی نظرسنجی بهره گرفته شد شامل اساتید و خبرگان تعلیم و تربیت بود.

روش نمونه‌گیری

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی مبتنی بر هدف استفاده می‌شود. هدف از انتخاب نمونه‌ها در پژوهش کیفی این است که بیشترین میزان اطلاعات را بر اساس سؤال پژوهش فراهم آورند. در نتیجه، روش نمونه‌گیری کیفی، نظری یا تئوریک خواهد بود؛ یعنی افراد به سبب اطلاعات، تجربه یا دیدگاهی که درباره‌ی موضوع مورد مطالعه دارند انتخاب می‌شوند و در جریان تحقیق مشارکت دارند. چنین شیوه‌ی انتخاب نمونه را نمونه‌گیری مبتنی بر هدف یا تئوریک می‌نامند. لذا، از روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع بهره‌گیری می‌شود (Fallahzadeh, 2000). لذا بر این اساس از نظرات تعداد ۱۵ نفر معلم مقطع متوسطه اول استفاده شد که بیش از ۲۰ سال سابقه کار تدریس داشتند.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از تحلیل داده با استفاده از کدگذاری نظری مطابق جدول ۱ بهره گرفته شد بعد از انتخاب موارد برای تحلیل، ابتدا قطعات معنایی بر اساس واحد تحلیل مضمون خوانده شد، سپس برای هر کدام از آن‌ها برچسب یا کدی در نظر گرفته شد. سپس کدهای مشابه در یک زیر مقوله جای گرفتند. با رفت و برگشت دائمی بین داده‌ها و کدها در خلال کار تغییر هم می‌کردند. سپس از کنار هم نهادن زیر مقوله‌های مشابه با یکدیگر مقولات اصلی پژوهش آشکار شدند. در این پژوهش از نرم‌افزار maxqda نسخه 10 برای تحلیل نظری استفاده شد. لازم به ذکر است که این نرم‌افزار طبقه‌بندی و مرتب کردن کدها را انجام می‌دهد و تشخیص زیر مقولات، مقولات و در نهایت تدوین مدل بر اساس داده‌های به دست آمده از تحلیل محتوای کیفی را خود پژوهشگر انجام می‌دهد. با نظرخواهی از مشارکت‌کنندگان به وسیله به کارگیری مصاحبه عمیق و تحلیل محتوای آن، و انجام مقایسه و تطبیق داده‌ها، ۱۴۴ شاخص به دست آمد که با حذف موارد تکراری و ادغام شاخص‌های هم‌جنس و مشابه، در نهایت مقوله‌های مربوط به علل و عوامل بروز سوء رفتار در قالب ۴۳ مقوله فرعی (کدگذاری باز) و ۲۲ مقوله محوری و ۵ مقوله فراگیر (کدگذاری گزینشی)، ترسیم شد. برای ارائه راهکارهای مدیریتی علاوه بر استفاده از نتایج پژوهش از نتایج تحقیقات پیشین نیز استفاده شد.

اعتبار یابی داده‌های کیفی: در این پژوهش جهت اعتبارسنجی، تکنیک‌های مختلفی به کار رفت؛ به‌گونه‌ای که برای سنجش روایی مدل به‌دست‌آمده از معیار قابل قبول بودن استفاده شد. از آنجاکه بر اساس این معیار، روش‌های مختلفی برای سنجش روایی وجود دارد، در این پژوهش از روش‌های همسوسازی و خود‌بازبینی محقق طی فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها استفاده شد. به‌علاوه برای سنجش پایایی مدل به‌دست‌آمده، از معیار قابل اعتماد بودن استفاده شد (Creswell, 2003). گفتنی است که برای تعیین قابل اعتماد بودن این مدل از روش هدایت دقیق جریان مصاحبه و استفاده از اعضای هیئت‌علمی دانشگاهی برای ارزیابی و اجرای برنامه مصاحبه و همچنین به‌عنوان داور بیرونی استفاده شد.

یافته‌ها

در مرحله نخست، محتوای مصاحبه‌های صورت گرفته با معلمان (جدول شماره ۱) مورد تحلیل قرار گرفت و کدهای معنایی اولیه استخراج شد که این نتایج در نرم‌افزار maxqda نسخه ۱۰ ثبت و نتایج آن در نمودار شماره ۱ آمده است. در مرحله بعد، کدهای معنایی به‌دست‌آمده حول محور مقوله‌های پایه (کدگذاری باز) طبقه‌بندی شدند. در جداول زیر به دلیل اختصار، تنها یک شاهد برای هر مقوله آورده شده است. در مرحله سوم، مقوله پایه مشابه در یک گروه قرار گرفته و مقوله سازمان دهنده (کدگذاری محوری) شکل گرفت و در نهایت همه این مقوله‌های سازمان دهنده نیز تحت محور ۵ مقوله فراگیر علل بروز سوء رفتار قرار گرفته و طبقه‌بندی شدند. همچنین این ۵ مقوله در دسته کلی تر به عنوان عوامل درونی و بیرونی نامگذاری شدند.

جدول ۱: شواهد و مقوله‌های مربوط به مصاحبه با معلمان

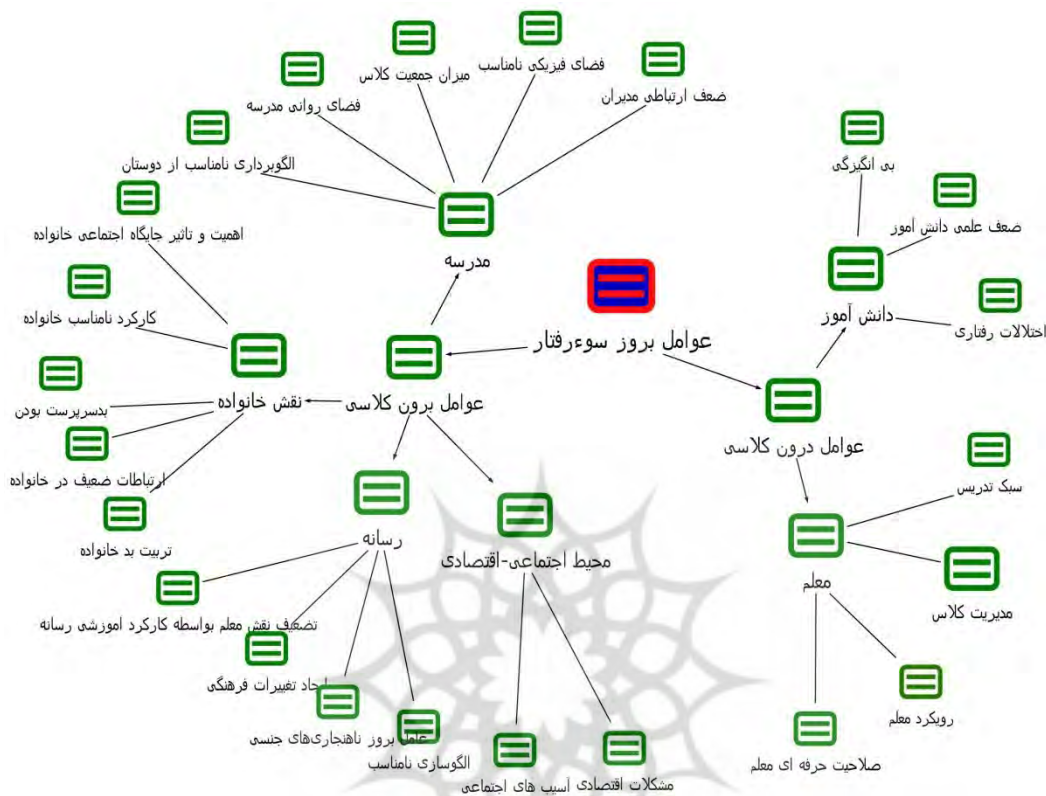
کد منبع	جملات کلیدی مصاحبه	کدگذاری باز	کدگذاری محوری - تلفیق کدهای مشابه	مقوله اصلی (کدگذاری گزینشی)
CT7	تعدادی از عواملی که موجب سوء رفتار دانش‌آموز می‌شود مربوط به نوع خانواده مثل بی‌سرپرست و بدسرپرست بودن می‌شود. همچنین ارتباط ضعیف مابین اعضای خانواده‌ها، مثلاً خانواده‌ای که پدر یا مادر جزء اعضای هیئت‌علمی باشند و دارای جایگاه اجتماعی باشند در شخصیت دانش‌آموز تأثیر مثبت دارد.	بی‌سرپرست و بدسرپرست بودن	بد سرپرست بودن	عوامل بیرونی
		ارتباط ضعیف در خانواده	نحوه ارتباطات در خانواده	
		جایگاه اجتماعی والدین	جایگاه اجتماعی خانواده	

		کارکرد ناسالم خانواده	ایفای درست نقش خانواده در تربیت	در خانواده تربیت صحیح و درستی صورت نگرفته است.	CT3	
		ارتباطات ناسالم در خانواده	تنش در خانواده	معمولاً دانش‌آموزانی که سوء رفتار دارند درگیری و تنش بالایی با خانواده دارند. به دلیل دستور دادن‌ها و اینکه فلان کار را انجام دهند. همچنین گاهی مشاهده شده پافشاری این خانواده‌ها برای درس خواندن زیاد است. به این دلیل برای نحوه درس خواندن همیشه درگیری و تنش عصبی در منزل وجود دارد. خانواده حتی برای بیرون رفتن سخت می‌گیرند. همچنین به خاطر صمیمیت پایین در خانواده دانش‌آموز نمی‌تواند رفتار خود را کنترل کند.	CT5	
			عدم وجود صمیمیت در منزل			
عوامل بیرونی	محیط اجتماعی - اقتصادی و آسیب‌ها	مشکلات اقتصادی	فقدان شغل	فقر خانواده که به دلیل نبود شغل مناسب در جامعه ایجاد شده، زمینه‌ای فراهم می‌کند که خانواده نمی‌تواند نیازهای کودکان را برآورده کند و این عدم برآورد نیازها زمینه‌ای برای ناهنجاری‌های رفتاری و جامعه‌ستیزی به وجود می‌آورد.	CT3	
			فقر خانواده			
		آسیب‌های اجتماعی	عدم برآورد نیازها جامعه‌ستیزی			
عوامل بیرونی	رسانه	کارکرد رسانه	مشکلات اقتصادی معلم	درآمد پایین	مشکلات معیشتی معلمان یکی از مسائلی است که بر روی انگیزه معلم و میزان اهمیتی که لازم است برای مدیریت رفتار دانش‌آموز داشته باشد، مؤثر است و این اهمیت قائل شدن کمتر می‌شود.	CT1
			نقش رسانه در متدالشکل ساختن افکار و اطلاعات عمومی معلم و دانش‌آموز	رسانه هم گسست و شکاف علمی بین دانش‌آموز و معلم را کم کرده‌اند. با توجه به اینکه در بعضی از دروس، رسانه‌های اجتماعی اطلاعات زیادی را منتقل می‌کنند و سطح اطلاعات عمومی معلم و دانش‌آموزان را در بعضی موضوعات در یک سطح قرار می‌دهد، لذا گاهی پیش می‌آید گفتمان معلمان جذابیت زیادی نداشته باشد و این امر موجب گوش ندادن و سوء رفتار می‌شود.	CT4	
				ایجاد تغییرات فرهنگی		تغییرات فرهنگی که از طریق رسانه‌ها به وجود می‌آید نوعی بی‌بندوباری و الگوسازی نامناسبی و بروز رفتارها و ناهنجاری‌های جنسی را در بین دانش‌آموزان موجب شده است.
عوامل بیرونی	عوامل	ضعف ارتباطی مدیران	مدیریت ضعیف مدرسه	ضعف مدیریت مدرسه در کم‌توجهی به دانش‌آموزان	CT13	

			رابطه ضعیف مسئولان مدرسه با دانش‌آموزان در ایجاد سوء رفتار تأثیر دارد وقتی دانش‌آموز بفهمد مدیر مدرسه کنترل زیادی بر رفتارهای دانش‌آموزان ندارد، خودبه‌خود سوء رفتار بیشتر می‌شود.	CT15	
		فضای روانی مدرسه	بسیاری از رفتارهای پرخاشگرانه به‌این‌علت است که دانش‌آموزان در مدرسه آرامش ندارند یکی از دلایل وجود جو روانی نامناسب در مدرسه وجود افراد بزهکار و پرخاشگر در بین دانش‌آموزان است و این عدم آرامش منجر به سوء رفتار در آن‌ها می‌شود.	CT2	
کد منبع	جملات کلیدی مصاحبه	کدگذاری باز	کدگذاری محوری - تلفیق کدهای مشابه	مقوله اصلی (کدگذاری گزینشی)	
عوامل بیرونی	عامل مدرسه	سروصدای حیاط مدرسه	فضای فیزیکی مدرسه	محیط حیاط بستری برای بروز سوء رفتار هست و به‌خصوص زنگ ورزش مشهود است. همچنین سروصدای زیاد حیاط مدرسه عاملی می‌شود که دانش‌آموز از این سروصدا سوءاستفاده کند و در کلاس بیخ‌بند کند.	CT9
		همنوایی نامناسب با دوستان	الگوبرداری نامناسب از دوستان	تعدادی از دانش‌آموزان با دوستانی ارتباط دارند که به دلیل همنوایی با آن‌ها مجبور می‌شوند رفتاری غیر از شخصیت واقعی خود داشته باشند. حتی طرز لباس پوشیدنشان و لحن صحبت کردنشان تغییر می‌کند.	CT10
		تقلید رفتار نامناسب	جمعیت کلاس	پس‌ازاینکه یک نفر در کلاس درس سوء رفتار و شلوغی از خود نشان داد دوست او به جهت همراهی کردن با وی مرتکب سوء رفتار می‌شود.	CT12
		تعداد بالای دانش‌آموز	جمعیت کلاس	یکی از عوامل بروز سوء رفتار در کلاس جمعیت بالای کلاس است.	CT4
عوامل درونی	عامل مرتبط با معلم	سبک تدریس معلم	سبک تدریس	سوء رفتار بستگی به سبک تدریس معلم و قدرت نفوذ وی دارد.	CT7
		مدیریت رفتار دانش‌آموز	مدیریت کلاس	وجود مشکلات معیشتی در زندگی معلمان، اهمیت قائل شدن برای مدیریت رفتار دانش‌آموز را کاهش داده و دغدغه کافی برای رفع سوء رفتار را ندارند.	CT7
		فنون کلاس داری	فنون کلاس داری	نوع فنون کلاس داری در مدیریت سوء رفتار اهمیت دارد.	CT6
		تدریس منظم و هدف‌دار	رویکرد معلم	معلمانی که با برنامه منظم و هدف از پیش	CT8

			(معلم محور)	تعیین‌شده سر کلاس درس می‌روند سوء رفتار کمتری در کلاس رخ می‌دهد.	
			در گیرکردن دانش‌آموز (دانش‌آموز محور)	به‌کارگیری خلاقیت‌های خود دانش‌آموز و در گیرکردن دانش‌آموز و پر کردن وقت او در کاهش سوء رفتار مؤثر است.	CT13
			بیان اهداف و انتظارات (معلم محور)	توجیه دانش‌آموز در جلسه اول کلاس و بیان انتظارات از طرف معلم می‌تواند سوء رفتار را در طول سال تحصیلی کاهش دهد.	CT13
			اهمیت دادن به تفاوت‌های فردی (دانش‌آموز محور)	بررسی مشکلات دانش‌آموزان و اهمیت دادن به تفاوت‌های فردی از سوء رفتار می‌کاهد.	CT13
		کدگذاری محوری - تلفیق کدهای مشابه	کدگذاری باز	جملات کلیدی مصاحبه	کد منع
		مقوله اصلی (کدگذاری گزینشی)			
عوامل درونی	عوامل مرتبط با معلم	صلاحیت حرفه‌ای معلم	توانایی حرفه‌ای معلم	معلمان توانایی آموزش مهارت‌های اجتماعی و رفتاری و مهارت‌های زندگی را به دانش‌آموزان ندارند.	CT10
			توانایی علمی معلم	در بعضی از دروس مانند مطالعات اجتماعی، به دلیل محتوای درسی و به دلیل دانش علمی بالای معلم سوء رفتار کمتری رخ می‌دهد چون کلاس و محتوای درسی هیجان و نشاط خوبی ایجاد می‌کند.	CT1
			توانایی مدیریت شرایط	توانایی معلم در توجه نمودن به تفاوت‌های فردی، توجه به‌سرعت یادگیری هر فرد، و ظرفیت‌های یادگیری متناسب با هر فرد منجر به کاهش سوء می‌شود.	CT9
			عدم تقویت مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی	عدم توجه معلم به تقویت مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموز و ضعف ارتباطات منجر به سوء رفتار می‌شود.	CT4
			توانایی مدیریت برنامه درسی	مشخص کردن اهداف هر جلسه و داشتن برنامه منظم از طرف معلم منجر به کاهش سوء رفتار کلاسی می‌شود.	CT14
			القاء حس تبعیض	یکی از دلایل بی‌نظمی احساس تبعیض در دانش‌آموز و توهین معلم به آنان است که منجر به اعصاب خوردی و شلوغی می‌شود.	CT14
			ضعف علمی دانش‌آموز	ضعف در پایه تحصیلی	با توجه به اینکه دانش‌آموزان در درس‌هایی مانند

		قبلی	ریاضی و زبان انگلیسی پایه ضعیفی دارند، لذا درس را متوجه نمی‌شوند.	
	بی‌انگیزگی	تنوع کم در فعالیت‌های کلاسی	تنوع کم در فعالیت‌های کلاسی منجر به خستگی و بی‌میلی نسبت به داشتن فعالیت و در نتیجه کاهش انگیزه و سوء رفتار می‌شود.	CT2
		کم بودن انگیزه	دانش آموزان به دلیل کم بودن انگیزه لازم در بعضی از کلاس‌ها دست به شلوغی می‌زنند.	CT2
		نداشتن امید به آینده	تعدادی از دانش آموزان دلیل سوء رفتار خود را نداشتن امید به آینده و بیکاری تحصیل‌کردگان اعلام می‌کنند که خود یکی از دلایل بی‌رغبتهی و سوء رفتار در کلاس است.	CT1
	اختلالات رفتاری	بیش فعالی	از دلایل سوء رفتار، بیش فعالی تعدادی از دانش آموزان است	CT9
		رفتار قلدرمانه	یکی از دلایل سوء رفتار دانش آموزان، وجود	CT4
		پرخاشگری	دانش آموزان قلدر و بی‌پروا می‌باشد که روحیه پرخاشگری هم دارند.	



نمودار شماره ۱. مدل عوامل تشکیل‌دهنده مقوله سوء رفتار بر اساس تحلیل نتایج و با استفاده از نرم‌افزار

Maxqda

نمودار شماره ۱، مدل استخراج‌شده بر اساس نتایج تحلیل مقوله سوء رفتار را با استفاده از نرم‌افزار Maxqda نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود سوء رفتارهای دانش‌آموزان دارای منشأهای مختلفی بوده و شامل عوامل درونی و بیرونی می‌شود. همانطور که مشاهده می‌شود از علل و عوامل به وجود آورنده سوء رفتار می‌توان به عوامل برون کلاسی مانند عوامل محیطی (خانواده، جامعه و رسانه) و عوامل مدرسه‌ای (فضای فیزیکی و روانی، ضعف ارتباطی مدیران، الگوسازی نامناسب) اشاره کرد. عوامل درون کلاسی نیز مانند عوامل مرتبط با معلم (سبک تدریس، رویکرد معلم، مدیریت کلاس، صلاحیت حرفه‌ای معلم) و عوامل مربوط به خود دانش‌آموز (ضعف علمی، کمبود انگیزه، اختلالات رفتاری) می‌باشد. که متناسب با هر کدام راهکارهای مدیریتی ارائه می‌شود.

اعتبار یابی داده‌های کیفی

در این مرحله با استفاده از روش همسوسازی داده‌ها، اعتبار مقوله‌های استخراج‌شده در بخش کیفی با توجه به شواهد نظری و پژوهش‌های عملی انجام‌شده، مورد تأیید قرار گرفتند. به‌عنوان نمونه در خصوص علل یابی پدیده سوء رفتار در کلاس، می‌توان به ۶ دسته کلی اشاره کرد: علل محیطی (اجتماعی - اقتصادی)، علل مدرسه‌ای، رسانه، خانواده، معلم و خود دانش‌آموز. در بررسی علل محیطی و مدرسه‌ای و خانوادگی می‌توان به مفاهیم ارائه‌شده توسط (Sepehrian, 2014)، (Azar, 2014)، (Sarabandi, 1997)، (Namdari, 1998)، (Mahmoudi & et al., 2017)، (Kordzanganeh, 2006) و (Shaterian & et al, 2013) اشاره کرد. همچنین برای علل مربوط به معلم و رسانه می‌توان به مفاهیم ارائه‌شده توسط (Enayati, 2017)، (Mahmoudi & et al, 2017)، (Sekhavat, 2012) و (Navabakhsh & Vahedi, 2010) اشاره کرد. هم‌چنین برای علل مربوط به دانش‌آموز می‌توان به مفاهیم ارائه‌شده توسط (Rosaria, 2011)، (Mahmoudi, 2017) و (Nadarian & et al, 2014) اشاره کرد. همچنین در خصوص ارائه راهکارهای مدیریتی سوء رفتار، از مفاهیم ارائه‌شده توسط (Mohammadi, 2010:7)، (A'ali & et al, 2012)، (Enayati, 2017) و (Navabakhsh & Vahedi, 2010) استفاده شد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج تحلیل داده‌های کیفی این پژوهش، و بر اساس نتایج تحلیل علل یابی مقوله سوء رفتار که با استفاده از نرم‌افزار Maxqda صورت گرفت نتایج نشان داد سوء رفتارهای دانش‌آموزان دارای منشأهای مختلفی بوده و شامل عوامل درونی و بیرونی می‌شود. از علل و عوامل به وجود آورنده سوء رفتار می‌توان به عوامل برون کلاسی مانند عوامل محیطی (خانواده، جامعه و رسانه) و عوامل مدرسه‌ای (فضای فیزیکی و روانی، ضعف ارتباطی مدیران، الگوسازی نامناسب) اشاره کرد. عوامل درون کلاسی نیز مانند عوامل مرتبط با معلم (سبک تدریس، رویکرد معلم، مدیریت کلاس، صلاحیت حرفه‌ای معلم) و عوامل مربوط به خود دانش‌آموز (ضعف علمی، کمبود انگیزه، اختلالات رفتاری) می‌باشد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد سوء رفتار دارای مبانی نظری روانشناسی و جامعه‌شناسی است. همسو با یافته‌های این پژوهش (Kordzanganeh, 2006) در یافته‌های خود گزارش کرد دانش‌آموزانی که دارای دوستان ناباب بودند، بیش‌تر درگیر مسائل مرتبط با سوء رفتار بودند. (Shaterian & et al, 2013) بدین نتیجه رسیدند که بیش‌ترین تأثیر

متغیرهای مستقل به ترتیب بر سوء رفتار دانش‌آموزان عبارت‌اند از: دسترسی به منابع و امکانات، عملکرد جامعه، معدل تحصیلی، عملکرد جامعه، پایگاه اجتماعی، عملکرد خانواده. همچنین در این پژوهش بیان شد کم بودن حمایت از سوی والدین و کم بودن کنترل از سوی معلم و کم بودن اعتماد بین اشخاص با رفتار نامطلوب همبستگی مثبت دارد و از عوامل مؤثر در بروز ناهنجاری در دانش‌آموزان باشد. (Sekhavat, 2012) در مطالعه خود دریافتند بین عملکرد خانواده، جنسیت، کج رو بودن دوستان و سوء رفتار دانش‌آموزان همبستگی مثبت معناداری وجود دارد. در تبیین یافته‌های بالا می‌توان گفت: ساختار اصلی شخصیت کودک در خانواده شکل‌گرفته و پس از آن تحت تأثیر دیگر محیط‌های تربیتی، جامعه، رسانه و ... قرار می‌گیرد. سوء رفتار ممکن است در نتیجه‌ی تعامل کودک با این محیط‌ها بروز و ظهور یابد. با افزایش سن کودک متغیرهای دیگری رفتار او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هیجان‌های بلوغ، گروه هم‌سالان، اقتصاد خانواده، رسانه‌های نوپدید و... از جمله عواملی هستند که رفتار نوجوان و جوان را متأثر می‌سازد. در اغلب منابع منتشرشده معطوف به رفتارشناسی، سوء رفتار در طبقه‌بندی فردی، خانوادگی، اجتماعی، همسالان و مدرسه‌ای گزارش شده است و نشان می‌دهد که محیط‌های گوناگون تأثیر متفاوتی در رفتار کودکان و نوجوانان و جوانان دارند. افزون بر آن یادگیری مشاهده‌ای که در طی مراحل رشد کودک و نوجوان تجربه می‌شود، بخش مهمی از یادگیری رفتاری را به خود اختصاص می‌دهد. کودک در تعامل با محیط خانواده، خویشاوندان، همسالان، محیط مدرسه، جامعه و رسانه‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و واکنش‌های مختلفی از خود بروز می‌دهد. بر اساس نظریه‌ی یادگیری اجتماعی عوامل محیطی و فرایندهای درونی به‌طور مشترک رفتارهای انسان را کنترل می‌کنند.

همچنین بر اساس نظریه‌ی کفایت اجتماعی رفتارهای هر فرد معطوف به مهارت‌های شناختی، رفتاری، هیجانی و انگیزشی بوده که از محیط‌های زندگی به دست آورده است. در واقع رفتار فرد تابعی از تعامل او و محیط پیرامون است. هرچند نباید سهم وراثت و ویژگی‌های فردی را نادیده گرفت. روانشناسان بر این باورند اگر مراحل رشد و بلوغ در کودک و نوجوان به‌صورت طبیعی در قالب بهداشت روانی مطلوب یا کفایت زندگی سپری شود، می‌توان انتظار داشت رفتار او در دوره‌های بعد بهنجار باشد. همچنین به هر میزان که مراحل رشد و بلوغ کودک و نوجوان دستخوش نقصان و اختلال شود، رفتار او را در دوره‌های بعد متأثر می‌سازد. از آنجاکه در فرهنگ ایرانی حمایت‌پذیری دختران در خانواده بیش از پسران بوده است و نیز گذران

دوران بلوغ در دختران در سنین کمتر از پسران رخ می‌دهد، می‌توان انتظار داشت در این دو گروه تفاوت رفتار وجود داشته باشد. دانش آموزان دوره متوسطه با افزایش سن در معرض عوامل بیشتری در تغییر رفتار قرار می‌گیرند. هیجان‌های بلوغ، گروه همسالان، اقتصاد خانواده، رسانه‌های نوپدید، نگرانی از آینده و ... عواملی هستند که رفتار آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این متغیرها می‌توان تجارب شکست و ناکامی یا موفقیت و پیروزی در عرصه‌های تحصیلی و زندگی شخصی را اضافه کرد. اصولاً نوجوانان و جوانان در مقایسه با دانش آموزان دوره ابتدایی به لحاظ تعامل‌های اجتماعی تحرکات بیشتری دارند. عضو بودن در باشگاه‌ها و تیم‌های ورزشی، انجمن‌ها، کلوپ‌ها، کتابخانه، کانون‌های فرهنگی و ... از جمله محیط‌های هستند که می‌توانند رفتارهای آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. بررسی و شناخت علل اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری سوءرفتار و بررسی جهت کاهش یا حذف آن‌ها امری ضروری است. بر اساس دانش موجود به نظر می‌رسد اغلب این رفتارها، نتیجه واقعیتهای بحرانی نیست بلکه منتج از تجارب و یادگیری‌های ناسالم در طی مدت‌های طولانی است.

به نظر می‌رسد فاکتور نهایی تعیین‌کننده نحوه رفتار دانش‌آموز در کلاس، معلمان هستند که می‌توانند تعیین می‌کنند عوامل دیگر چقدر می‌توانند در نظم و انضباط دانش‌آموزان مؤثر واقع شوند. در واقع بسیاری از مشکلات رفتاری دانش‌آموزان نتیجه مستقیم نحوه عمل معلم در مقابل کارهای دانش‌آموزان است و هرگز نباید در تشخیص علت سوء رفتار تنها رفتار دانش‌آموز را در نظر گرفت. ما همه به راحتی می‌توانیم رفتارهای نادرست معلمانمان را در طی دوران تحصیل به یاد آوریم که چگونه با گفتار و رفتارشان باعث بروز و تداوم مشکلات انضباطی در کلاس‌ها می‌شدند. معلمی که به دانش‌آموزان توهین می‌کند و یا با دانش‌آموزان زیاد شوخی می‌کند، آشکارا در حق عده‌ای بی‌انصافی می‌کند و ... خود عامل اصلی شروع و شیوع بی‌انضباطی‌ها در کلاس است (Mesrabadi, 2012). بر این اساس اگر بخواهیم به کلی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه رفتاری معلم که بر وقوع و تداوم سوء رفتار کلاسی تأثیر می‌گذارد، اشاره کنیم، آن سبک تدریس معلم است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مدیریت رفتار در کلاس یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی معلمان سراسر جهان است (Loizou, 2009). کانین به مقایسه‌ی رفتار معلمان در کلاس‌های دارای رفتارهای نامطلوب و کلاس‌های عادی پرداخت. در این مطالعه نشان داده شد که تفاوت این کلاس‌ها به نحوه‌ی پاسخگویی معلمان به رفتار نامطلوب دانش‌آموزان مربوط نیست، بلکه از اقدامات پیشگیرانه‌ی آن‌ها ناشی می‌شود. کانین معتقد است که «نظارت» احتیاج

به دو مهارت دارد: یکی اینکه معلم به‌طور فعال بیش از یک دانش‌آموز را مورد توجه قرار دهد، و دوم اینکه برای همه‌ی دانش‌آموزان فعالیتی مشخص کند (Quoted from Kadivar, 2000). همچنین همسو با نتایج پژوهش در رابطه با عامل معلم در بروز یا کاهش سوء رفتار، (Ozben, 2000:592) در پژوهشی با عنوان استراتژی‌های معلم در غلبه بر سوء رفتار دانش‌آموزان، به این نتیجه رسید که معلمان بسته به جنسیت و سابقه تدریس و معلوماتشان با انواع متفاوتی از سوء رفتار مواجه می‌شوند. عدم کنترل صحیح دانش‌آموز منجر به افزایش سوء رفتار و کاهش عملکرد یاددهی - یادگیری می‌شود. دانش‌آموزان این کلاس‌ها اظهار داشته‌اند که این‌گونه معلمان با جدیت تمام و تذکر دادن‌های مداوم مانند گوشزد کردن عواقب کار اشتباه، سعی در کنترل کلاس دارند که این‌گونه رفتارها به کسب نتایج متفاوتی می‌انجامد. در ادامه متناسب با نتایجی که از تحلیل یافته‌ها به دست آمد راهکارهای مدیریتی مرتبط ارائه می‌شود.

راهکارهای مدیریتی جهت کاهش سوء رفتار دانش‌آموز:

برای ارائه راهکارهای مدیریتی علاوه بر استفاده از نتایج پژوهش از نتایج تحقیقات پیشین نیز استفاده شد که در زیر خلاصه مهم‌ترین این راهکارها آمده است:

راهکارهایی در رابطه با وظایف معلم:

معلم باید برای دانش‌آموز الگو بوده و عامل و مجری نظم باشد و اگر معلم منظم نباشد انتظار نظم از دانش‌آموز بیهوده است.

آگاه ساختن فواید نظم و زیان‌های بی‌نظمی.

ارائه مسئولیت‌هایی در رابطه با نظم به دانش‌آموز

به‌طور انفرادی با افراد نامنظم برخورد کرده دلایل بی‌نظمی را جویا شوند

بی‌توجهی به رفتار نامنظم دانش‌آموزان باعث می‌شود تا وی احساس کند که معلم فردی ناکارآمد است.

رفتارهای بی‌نظم را مشخص و قوانین کلاس را مطرح کند و دانش‌آموزان ملزم به رعایت آن شوند.

راهکارهایی در رابطه با وظایف مدرسه:

محیط مدرسه را می‌توان از دو بعد فیزیکی و عاطفی مورد بررسی قرار داد.

تأثیر محیط فیزیکی کلاس: وضعیت فیزیکی کلاس مانند، نظافت و پاکیزگی، برخورداری از نور و هوای مناسب، میز و صندلی راحت و کافی، تخته و وسایل سرمایشی و گرمایشی مناسب نقش انکارناپذیری در ایجاد نظم و انضباط کلاس دارند.

تأثیر محیط عاطفی کلاس:

علاوه بر عوامل فیزیکی کلاس، عوامل عاطفی مانند تعویض مکرر برنامه‌ی درسی، برخورد نامناسب متصدیان ستادی مدرسه با دانش‌آموزان، یکنواخت بودن برنامه‌های صبحگاهی یا عصرگاهی مدرسه بی‌توجهی به خواسته‌ها و انتظارات معقول دانش‌آموزان و... را می‌توان نام برد که شرایط و موقعیت را برای بروز رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان فراهم می‌کند. مدرسه در حرف و عمل نشان می‌دهد که خواهان حل مشکل دانش‌آموزان است.

راهکارهایی در رابطه با خانواده و دوستان:

مهم‌ترین الگوی کودکان پس از والدین که تأثیر زیادی در رفتار کودکان می‌گذارد گروه همسالان می‌باشد بنابراین لازم است خانواده بر انتخاب دوستان فرزندشان مراقبت کنند.

راهکارهایی در رابطه با رسانه:

رسانه عنوان یک الگوی رفتاری از عوامل مهم تعیین‌کننده در رفتار است، بنابراین هم‌خانواده و هم‌مدرسه در هدایت، کنترل و آموزش استفاده از رسانه‌ها مراقبت کافی را داشته باشند. براین اساس برای مدیریت استفاده از رسانه، باید میان خانه و مدرسه هماهنگی وجود داشته باشد.

راهکارهایی در رابطه با جامعه:

باید سیاست‌گذاران آموزشی و متولیان رفاه جمعی و قانون‌گذاران بستری فراهم کنند تا دانش‌آموز بدون دلهره و اضطراب آینده و در محیطی شاداب، به یادگیری بپردازد و زندگی کند. با همه این تفصیلات مهم‌ترین عامل جلوگیری از سوء رفتارهای دانش‌آموزان امر پیشگیری می‌باشد. پیش‌گیری از رفتار نامطلوب دانش‌آموزان به دو دلیل مهم است:

به دلیل عملی: یعنی پیش‌گیری از بروز رفتار نامطلوب آسان‌تر از تغییر آن است.

به دلیل انسانی: یعنی معلم خود را مسئول اصلاح و برطرف کردن سوء رفتارهای دانش‌آموز بداند.

منابع

- Akbia, A. (2009). *Investigating the Rate and Factors Affecting Aggression of Male High School Students in Mashhad*. M.Sc. in Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad. [in Persian].
- A'ali, M., Varki. S., Bakhtiari. T., & Ahanchian, M, R., (2012). Child Subjugation in the Educational System: A Genealogical Critique of Disciplinary Approaches to School, *Journal of Educational Sciences Shahid Chamran University of Ahvaz*, 6 (1): 5-28. [in Persian].
- Creswell, J. W. (2003). *Research design: Quantitative, qualitative, and mixed methods approaches* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Donna, E, R. (1982). *Positive Approaches to Behavior Management: Monograph Series in Behavior Disorders*. Midwest Regional Resource Center. Darke University.
- Enayati, T., & coohsari, S. (2017). Investigating the Status of Math Teachers' Interactive Styles with Students, *Education and Assessment*. 10(28): 13-39. [in Persian].
- Fallahzadeh, H., (2013). *Principles and Methods of Biostatistics*, Second Edition, Tehran, Sobhan Publications.
- Fathiazar, E. (2015). *Teaching methods and techniques*. fourth edition. Tabriz University. [in Persian].
- Gordon, T. (1998). *Self-disciplinary child and adolescent at home and school*. (Translated by Ahmad Zandi). First Edition. Ba'athat Publications. [in Persian].
- Kadivar, P. (2000). *Educational Psychology*. Eighth Edition. samt. [in Persian].
- Kordzanganeh, M. (2006). The relationship between social contexts and anomie among pre-university students in Ramhormoz. *Journal of Social Sciences*, Islamic Azad University, Shoushtar Branch, 6 (1): 273-296. [in Persian].
- Loizou, E. (2009). In-service early childhood teachers reflect on their teachertraining program: reconceptualizing the case of Cyprus. *Journal of Early Childhood Teacher Education*, 30(3), 195-209.
- Mahmoudi, M,T., Khademi, B., & Lalegani, F. (2017). Investigate and identify effective ways of creating classroom management and discipline. *Future Studies and Policy Making*. 3 (3): ۱۷- ۲۸. [in Persian].
- Mesrabadi, J. (2014). The Role of Teachers' Teaching Styles on the Level of Student Discipline, *New Approach in Educational Management*, 6(2): 55-72. [in Persian].
- Mohammadi, A. (2010). The Relationship between Students' Abuse and Methods of Managing Physical Education Classes. Master thesis. Physical education. *North-Amol Nonprofit Institute of Higher Education*. [in Persian].
- Nadarian J, M. AliMohammadi, R., & Hojati M, M. (2014). Investigating the Factors Affecting the Discipline of Physical Education Classes in Schools from

the Perspective of Physical Education Teachers. *Sport Management Studies*. 3 (5): ۵۹-۷۰. [in Persian].

Namdari, P. (1998). *Prevalence of Abuse and its Affecting Factors in Middle School Students of Khorramabad*, Tehran University of Medical Sciences. [in Persian].

Navabakhsh, M., & Vahedi, M. (2010). The Relationship between Family Social Capital and Behavioral Disorders in Students. *Journal of Social Sciences*. 4 (4): 82-92. [in Persian].

bbb nnn l g st ' kgvir ntt .. rrs' srrgggges oo oop wihh suuden misbhhavod2 Dokuz Eylul University (Turkey), *Procedia Social and Behavioral Sciences*,2(1): 587- 594.

Ramazani, S. G. A., Kazemi, Y., & Ala'i, H. (2013). The Relationship between the Source of Student Control and Their Attitude to Different Types of Teacher Discipline. *New Approach in Educational Management*, 4 (2): ۸۳-۹۸. [in Persian].

Rosaria, M. C. (2011). Pupil Misbehaviour and Classroom Management: the impact of Congruence August. Thesis (PhD), *university of Southampton (usa)*, pagination.

Safari, A., Abdollahi, B., & Sabouri, F. (2019). The impact of collaboration between school teachers on process quality improvement Teaching _ Learning. *Journal of School Administration*.7 (3): 214-232. [in Persian].

Salimi, J., & Ghasemi, F. (2018). The of Study principles and methods of discipline from the secondary schools' views. *Journal of School Administration*.6 (1): 244-261. [in Persian].

Sarabandi, A. (1997). *Causes of Juvenile Delinquency*. M.Sc., Ferdowsi University of Mashhad. [in Persian].

Sekhavat, J. (2002). Investigating the Factors Affecting Behavioral Anomalies in Students of Lorestan Province. *Sociology of Iran*, 4 (2): 55-76. [in Persian].

Sepehrian A, F., Mohammadi, N., & Blotak, H. (2014). Prevalence of bullying and comparing academic achievement, general health, and social self-efficacy in bullying and normal behavior adolescents, *Applied Research in Educational Psychology*, 1 (2): 23-32. [in Persian].

Shaterian, M., Asmi, J, Zahra., & Nourian A, F. (2013). Investigation of Social Factors Affecting Students' Behavioral Disorders. Case study of Aran and Bidgol city. *Iranian Social Development Studies*, 4 (3): 123-135. [in Persian].

Shirbaghi, N., Gholami, K., & Bastami, M. (2014). Understanding the disciplinary common beliefs of school community members. *Educational Planning Studies*, 4 (7): ۰۰۰-۱۳۲. [in Persian].